

نوجوانان مسجد صاحب الزمان (عج)، داوطلبانه رفت و رو به دبیرستان محله خود را انجام دادند

مهربان تر از «مهر»

شهرکی: همه کارهای به ظاهر ساده، ساده نیستند. دیدن اهمیت بعضی از این کارها، تأمل و درنگ می خواهد. چند روز بیشتر تا باز شدن مدارس نمانده و همه انتظار داریم که محیط مدارس برای ورود دانش آموزان برق افتاده باشد، آن هم در حالی که خیلی از این مراکز علمی، در طول تابستان، گر دوغبار گرفته اند و احتیاج به نظافت و رنگ آمیزی و گل کاری مجدد دارند.

حتی اگر بعضی هایمان خیلی وقت ها حواسمان به اطرافمان نباشد، همیشه افرادی پیدا می شوند که ریزبین و تیزبین هستند و درست در زمان و مکانی که به آن ها نیاز است، حضور پیدا می کنند؛ درست مثل نوجوانان مسجد صاحب الزمان (عج) در محله رسالت که پنج روز آخر شهریور خود را به نظافت و رفت و رو به دبیرستان «عرفان» در دوره اول مقطع تحصیلی اختصاص دادند، آن هم در حالی که بعضی هایشان دانش آموز این مدرسه نبودند.

این حرکت جهادی به مدیریت حمید قاسمی، فعال فرهنگی و عضو شورای اجتماعی محله رسالت، و نیز با مشارکت معاونت فرهنگی و شهرداری منطقه ۱۰ انجام شد و ما در یکی از همین روزها به سراغ این نوجوانان پر تلاش رفتیم و حین کارگردشان، با آنان گپ زدیم.



جای دیگری به مدرسه می روم اما برای کمک آمده ام

صدای بچه ها در سالن مدرسه پیچیده است. آن ها هم کار می کنند و هم هیاهو دارند. مهدی نقابی زمین کلاس را جارو می کشد و مهدی رسول زاده، سقف را.

زمینه های ورزشی و علمی با استعداد هستند؛ مثلاً سال گذشته مدرسه ما در سطح ناحیه در رشته کشتی، مقام دوم و در شطرنج، عنوان سوم را به دست آورد. در جشنواره خوارزمی هم، مقام اول ناحیه را کسب کردیم. «.

نام حمید قاسمی برای بسیاری از اهالی محله رسالت آشناست؛ فعالی فرهنگی که همیشه طرح های خلاقانه ای برای ارتقای کیفیت زندگی اهالی و رفع مشکلات آنان دارد. این بار هم در آستانه سال تحصیلی جدید، او هفت نفر از نوجوان های مسجدی را در طرح استقبال از ماه مهر مشارکت داده است تا نشان دهد که مسجد و مدرسه، پیوندی عمیق و ناگسستنی دارند.

قاسمی گوشه ای از حیاط بزرگ و نیمکتی رنگ و رو رفته را برای نشستن و گفتگو انتخاب و سر حرف را این گونه باز می کند: «۲۰ سال پیش دانش آموز همین مدرسه بودم؛ البته آن زمان، هنوز اینجا نیمه ساخته بود و همه دانش آموزان در ساخت آن کمک کردند. الان هم با مدیر مدرسه، تعامل خوب و سازنده ای داریم که به نفع اهالی محله است. «.

او از طرح های مشترک مسجد و مدرسه می گوید: طرح هایی که خیرش به همه اهالی محل رسیده است: «گاهی مدرسه جشن تکلیف خود را در مسجد برگزار می کند یا حتی امام جماعت مافی سبیل... در مدرسه نماز جماعت اقامه می کند و گاهی هم به دلیل محدودیت فضای مسجد، از حیاط بزرگ مدرسه برای برپایی مراسم مذهبی و مناسبتی خود بهره می گیریم. «.

حس خوب، مسئولیت داشتند

قاسمی درباره مشارکت نوجوانان در نظافت مدرسه می گوید: «با مسئولان دبیرستان عرفان به این نتیجه رسیدیم که برای آماده سازی محیط مدرسه از نوجوان های فعال مسجدی کمک بگیریم. هفت نفر به مدت پنج روز در این برنامه مشارکت می کنند. کلاس ها را تمیز و مرتب می کنند و دستی به سروروی مدرسه می کشند. «.

او از تأثیر مثبت این برنامه بر روی نوجوانان می گوید: «به این نوجوان ها کاری سپرده شده است و همین باعث می شود که احساس مسئولیت کنند. گذشته از این، تحرک داشتن آنان و اینکه حتی برای ساعت هایی، از سرگرمی رایجی که همان وارد شدن به فضای مجازی است، دور می شوند، برایشان مفید است. «.

جمعیت زیاد و کمبود مدرسه

سه سال است که مهدی نادرپور، مدیر دبیرستان دوره اول عرفان است. مدرسه ای با ۶ کلاس درس و ۲۱۰ دانش آموز که دیوارهایش به تازگی رنگ شده است تا دانش آموزان در محیطی شاد، سال تحصیلی جدید را شروع کنند. او درباره مراسم استقبال از مهر می گوید: «دیوارهای بیرون از مدرسه را شهرداری رنگ آمیزی کرده است و داخل آن را خودمان. علاوه بر این، شیرآلات سرویس بهداشتی را تعمیر کرده ایم و گل کاری را هم شهرداری انجام داده است. بچه های مسجد صاحب الزمان (عج) هم به کمک ما آمده اند تا در نظافت کلاس ها و حیاط یاری مان کنند. «.

او که یک سال دیگر تا پایان خدمتش مانده، از جمعیت زیاد محله رسالت و کمبود مدرسه می گوید: «تراکم جمعیت در این محدوده زیاد است و متأسفانه فضایی برای ساخت مدرسه نیست؛ به همین دلیل ظرفیت مدرسه ما به سرعت پر می شود. «.

نادرپور درباره موفقیت های دانش آموزان مدرسه اش نیز می گوید: «بچه ها در

ابوالفضل رضایی زباله های ریزودرشت کف زمین را جمع می کند و یونس هم گردگیری درزهای درودیوار را انجام می دهد. این سومین کلاسی است که بچه ها از صبح تا به الان، آن را تمیز کرده اند. گرد و خاک در هوا معلق است. با نقابی که دانش آموز کلاس هشتم و از فعالان فرهنگی مسجد صاحب الزمان (عج) است، گفتگو را شروع می کنیم. او درباره علت مشارکتش در این کار می گوید: «ساکن همین محله هستم و مدرسه خودم نزدیک پارک ملت است. آقای قاسمی در مسجد، درباره این برنامه صحبت کردند و ما هم که سرمان برای این کارها درد می کند، داوطلب شدیم که به اینجا بیاییم. «.

بده بستان مدرسه و مسجد

مهدی رسول زاده که قرار است امسال به کلاس نهم برود، با اینکه جای دیگری تحصیل می کند، مدرسه عرفان را مثل مدرسه خود می داند و می گوید: «خانه ما در خیابان یوسفیه ۴ و نزدیک اینجاست. به نظر من، مدرسه و مسجد مثل دو برادرند. گاهی وقت ها مسجد به کمک مدرسه می آید و بعضی وقت ها هم مدرسه فضای بزرگش را برای اجرای مراسم، در اختیار مسجد می گذارد و در واقع با هم بده بستان فرهنگی دارند. ما هم یکی از همین اهالی هستیم که برای کمک به مدرسه، احساس وظیفه کردیم. «.

مدرسه را برق می اندازیم

ابوالفضل رضایی، دانش آموز پایه هفتم، در ادامه صحبت دوستانش می گوید: «من مدرسه خودم را تمیز می کنم. چند روز دیگر قرار است با به همین جا بگذارم. این طوری احساس بهتری درباره مدرسه ام دارم. «.

یونس رحمانی که تا به اینجای کار به حرف های بقیه گوش داده، از هدفش برای مشارکت در این کار می گوید: «ما هر کاری می کنیم، برای مدرسه و محله خودمان است؛ چه در آن درس بخوانیم چه نخوانیم. از شما هم می خواهیم طوری حرف های ما را بنویسید که ریا نشود. ما درباره این کار حتی به دوستان نزدیک خودمان هم حرفی نزده ایم. «.

او که دانش آموز پایه نهم است، همان طور که نیمکت ها را فرز و چابک جابه جا می کند، می گوید: «همیشه به مدرسه به چشم خانه خودم نگاه می کنم. باید همان طور که به فکر نظافت خانه مان هستیم، به فکر تمیز کردن مدرسه هم باشیم. «.

او ادامه می دهد: «چند نفر دیگر هم قرار است به ما بپیوندند و تا چند روز دیگر تمام مدرسه و کلاس هایش را برق بیندازیم. «.

کاش بیشتر درس می خواندم!

صورتش را آفتاب سوزانده و دست هایش هم، باغبان بودنش را نشان می دهد. این ها نشانه های کهنه کار بودن امین دهقان در شغلش است. او به عنوان نیروی شهرداری به مدرسه آمده است تا در باغچه های کوچک مدرسه، گل بکارد و شاخه های درختان حیاط را هرس کند.

به گفته خودش، تا به حال چند دوره، کارگر نمونه شناخته شده. آمدنش به مدرسه، او را به یاد دوران تحصیل خودش انداخته است و می گوید: «ما در آن زمان تفریحی نداشتیم و فقط سختی های درس خواندن یادمانده؛ هر چند حالا که سال ها از آن دوران گذشته، با خودم می گویم کاش بیشتر درس می خواندم! «.

ماهر کاری

می کنیم، برای مدرسه و محله خودمان است؛ چه در آن درس بخوانیم چه نخوانیم. از شما هم می خواهیم طوری حرف های ما را بنویسید که ریا نشود. ما درباره این کار حتی به دوستان نزدیک خودمان هم حرفی نزده ایم